

چکیده

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های دیرینه‌ی بشر، تأمین رفاه افراد جامعه و رفع فقر بوده است؛ اما به عللی مانند اختناق و ستمگری‌های بی‌رحمانه‌ی ثروت‌اندوزان حاکم و بی‌عدالتی و جاه‌طلبی آنان، هرگز محقق نمی‌شد. با ظهور اسلام، این دغدغه جدی‌تر شد. آیات و روایات بسیاری نیز مؤید این ادعاست. پژوهش حاضر که با روش کتابخانه‌ای و رویکرد توصیفی-تحلیلی انجام شده، درصدد پاسخ به این پرسش است که امام علی^(ع) در نهج‌البلاغه، برای مقابله با فقر، چه گروه‌هایی را خطاب قرار داده و متناسب با هر گروهی، چه راهکارهای تربیتی برای برون‌رفت از فقر ارائه کرده‌اند؟ نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که بیانات و اقدامات امام علی^(ع) در این زمینه، غالباً ناظر بر روشی تربیتی و پویایی عمومی است که درصدد تربیتِ آحاد افراد جامعه و نهادینه کردن فرهنگِ نوع‌دوستی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی برای مقابله با فقر است که با تلاش اقشار ضعیف، مسئولیت‌پذیری و همیاری ثروتمندان و عدالت حاکمان، در قالب معیارهای اخلاقی، انسان‌مداری و آخرت‌گرایی امکان‌پذیر خواهد بود. اگرچه گروه‌های مورد خطاب امام^(ع) در اجرای این امر، تمام نوع بشر است؛ اما ایشان به‌طور اخص، «فقرا»، «قشر متمکن جامعه» و «مدیران حکومتی» را مخاطب قرار داده و برای هرکدام وظایف خاصی را مشخص کرده‌اند.

مینا شمخی

استادیار دانشگاه شهید چمران اهواز،
نویسنده مسئول
m_shamkhi@yahoo.com

امان‌اله ناصری کریموند

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث
دانشگاه شهید چمران اهواز
amannaseri@gmail.com

فاطمه مرادی کهنکی

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث
دانشگاه شهید چمران اهواز
fm.rahi@yahoo.com

واژگان کلیدی:

راهکارهای فقرزدایی، توصیه به فقرا،
وظایف اغنیاء، مسئولان حکومتی.

مسئله‌ی فقر و نابرابری اقتصادی، پیشینه‌ای به درازای عمر بشر دارد که موجب ناهنجاری‌های متعددی در زندگی فردی و اجتماعی می‌شود و زمینه‌ساز انحرافات و مشکلاتی است که به جرائم بسیار بزرگی ختم می‌گردد. در متون دینی نیز، بیانات بسیاری در زمینه‌ی خطرات و تبعات فقر مطرح شده است؛ از جمله پیامبر^(ص) در حدیث «كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا»، فقر را عامل اصلی کفر و نابودی ایمان معرفی می‌کنند (کافی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۳۰۷). نهج‌البلاغه یکی از منابعی که به‌طور خاص، به مقابله با فقر پرداخته است؛ زیرا هنگامی که امام علی^(ع) به حکومت رسیده بود، اوضاع جامعه بر اثر دور شدن از تعالیم پیامبر^(ص) دگرگون شده و فاصله‌ی طبقاتی به وجود آمده به عللی چون گرایش به دنیا، مال‌اندوزی، بخل و پرداخت نکردن حقوق الهی، کفران نعمت، نداشتن تقوا و... موجب نابسامانی اجتماعی شده بود و اقشار فرودست را آزار می‌داد (رک: خطبه‌ی ۱۲۹ و ۱۳۴). امام^(ع) عثمان و خویشاوندانش را مسئول این نابسامانی می‌داند (خطبه‌ی ۱۰، ۳ و ۱۱)؛ زیرا آنان مال‌اندوزی پیشه کرده بودند (رک: طبری، ۱۳۵۷، ج ۴، ص ۳۳۸؛ مسعودی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۳۳۲ و بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۶، ص ۱۰۲). بر همین اساس، یکی از دغدغه‌های اساسی امام علی^(ع) در دوران حکومت کوتاه خویش، رفع فقر و نابرابری در جامعه بود که با استفاده از راهکارهای مختلفی، دست‌کم در کوفه توانست امکانات اساسی را برای عموم مردم تأمین کند (رک: یوسفی، ۱۳۸۹، ص ۱۹۳؛ جهانیان، بی‌تا، ص ۵)؛ بنابراین، با توجه به مشکلات معیشتی حاد، فقر و بی‌عدالتی شدیدی که امروزه دامن‌گیر جوامع شده است، برای ساماندهی و بهبود وضعیت اقتصادی کشورها می‌توان از راهکارهای تربیتی نهج‌البلاغه یاری جست. البته لازمه‌ی این کار، نهادینه کردن سیستم اقتصادی امام^(ع) در نظام تربیتی و فرهنگی جوامع است (رک: جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۰، ص ۳۱)؛ زیرا یکی از رموز موفقیت جوامع پیشرفته، نظام تربیتی کارآمد آن کشورهاست (رک: پیغامی و تورانی، ۱۳۹۰، ص ۴۲). همان‌طور که امام^(ع) در نهج‌البلاغه نیز، با رویکردی تربیتی و تبلیغی به فقرزدایی می‌پردازد و با توصیه‌های اخلاقی و تربیتی، زمامداران را به ساده‌زیستی و هم‌سویی با فقرا فرامی‌خواند تا موجب آرامش طبقه‌ی فقیر جامعه شود (خطبه‌ی ۲۰۹) و در بیاناتی هشدارگونه به‌منظور تربیت اقتصادی مردم، فقر را بسیار منفور و منحوس جلوه داده و درصدد از بین بردن آن بوده است (رک: جرداق، ۱۳۷۳، ص ۱۵۲)؛ همچنین آن را مرگ بزرگ توصیف کرده^۱ (رک: حکمت ۱۶۳)؛ زیرا سختی مرگ یک‌بار است؛ اما فقر همواره در شئون زندگی فقرا جلوه‌گر است (فیض‌الاسلام، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۱۶۶). به همین سبب، انسان تهی‌دست را حتی در شهر خویش، بیگانه دانسته (حکمت ۵۶) و از او خواسته است از فقر، تنها به خدا پناه ببرد؛ زیرا فقر، دین را ناقص و عقل را سرگردان می‌کند و عامل دشمنی است^۲ (رک: حکمت ۳۱۹). امام^(ع) دعا می‌کنند: خدایا! آبرویم را با بی‌نیازی

۱- به علت محدودیت حجم مقاله، از ذکر متن عربی کلام امام^(ع) خودداری و به نقل مطالب از ترجمه‌ی محمد دشتی اکتفا می‌شود.

۲- که این دو کلام امام^(ع) بر این نکته دلالت دارد که یکی از مهم‌ترین آثار شوم فقر، تضعیف شخصیت فقراست، به طوری که در جامعه تحقیر می‌شوند تاجایی که قدرت دفاع از خود را از دست می‌دهند و منزوی می‌شوند (رک: فراهانی‌فرد، ۱۳۷۸، ص ۲؛ فیض‌الاسلام، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۲۲۸).

حفظ کن؛ زیرا فقر آبروی انسان را از بین می‌برد (رک: خطبه‌ی ۲۲۵ و بحرانی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۱۶۳)؛ بنابراین، از آنجاکه بیانات امام^(ع) محدود به زمان خاصی نیست و برای تربیت تمام جوامع در همه‌ی زمان‌ها بیان‌شده، ضرورت دارد این موضوع با دقت و جامع‌نگری بیش‌تری بررسی شود تا سیستم تربیت اقتصادی نهج‌البلاغه در مقابله با فقر، کشف و به‌عنوان یک الگوی صحیح و برتر اقتصادی استفاده گردد.

این پژوهش درصدد پاسخ به این سؤال است که امام علی^(ع) در نهج‌البلاغه برای مقابله با فقر، چه گروه‌هایی را خطاب قرار داده و متناسب با هر گروهی، چه راهکارهایی برای برون‌رفت از فقر ارائه کرده‌اند؟

پیشینه‌ی تحقیق

پژوهش‌های مختلفی در زمینه‌ی فقر و مباحث مرتبط با آن در نهج‌البلاغه انجام‌شده است؛ اما آنچه با این پژوهش ارتباط بیش‌تری دارد؛ عبارتند از: مقاله‌ی «سیره‌ی اقتصادی امام علی^(ع)» اثر احمدعلی یوسفی (۱۳۸۹) که در مجله‌ی مطالعات تفسیری چاپ‌شده است. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد «عوامل پیدایش فقر، پیامدها و راه‌های مقابله با آن در نهج‌البلاغه» اثر لیلا حسینی‌نیا با راهنمایی دکتر مجید معارف (۱۳۹۰) که در دانشکده‌ی علوم حدیث دفاع شده است. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد «روش‌شناسی محرومیت‌زدایی در سیره‌ی اقتصادی امام علی^(ع)» اثر سمانه محمدی با راهنمایی مصطفی دلشاد تهرانی و سیدرضا حسینی (۱۳۹۲) که در دانشگاه قرآن و حدیث قم دفاع شده است. مقاله‌ی «علل و آثار فقر از دیدگاه امام علی^(ع)» اثر سید علی‌اء محمدی که در مجله‌ی کیهان فرهنگی سال ۱۳۹۲ منتشرشده است. مقاله‌ی «آشنایی با اندیشه‌های اقتصادی امام علی^(ع) در نهج‌البلاغه» نوشته‌ی محمد مولایی (۱۳۹۲) که در مجله‌ی پژوهشنامه‌ی نهج‌البلاغه چاپ‌شده است. مقاله‌ی «سیاست‌های فقرزدایی با محوریت تکافل اجتماعی» نوشته‌ی محمدرضا آرام و کاووس سیدامامی (۱۳۹۵) که در مجله‌ی دانش سیاسی انتشاریافته است. مقاله‌ی «بررسی حد فقر و عوامل مؤثر بر آن از دیدگاه امام علی^(ع)» نوشته‌ی مونا امانی‌پور و دیگران (۱۳۹۶) که در فصلنامه‌ی پژوهش‌های نهج‌البلاغه چاپ‌شده است. البته مقاله‌ی حاضر، بیشتر به بعد تربیتی راهکارهای فقرزدایی نظر دارد و در واقع، سیستم تربیتی-اقتصادی حاکم بر نهج‌البلاغه را بررسی می‌کند و در موضوع، روش و اهداف با آثار یادشده متفاوت است.

مفهوم‌شناسی فقر

در متون دینی، «فقر» معانی متعددی دارد و در این پژوهش، به معنای نداری و در مقابل ثروت به کار می‌رود (رک: حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۲۷۸-۲۸۸)؛ معانی دیگر فقر، از قبیل فقر فرهنگی، فقر نفسی، فقر معنوی و... که در متون دینی کاربرد دارند (رک: حسینی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۷۶-۷۰؛ فراهانی‌فرد، ۱۳۷۸، ص ۲۵-۲۲)، مدنظر نیست.

فقر یکی از شوم‌ترین مصائبی است که علاوه بر مختل کردن زندگی فردی فقرا، اجتماع

بشری را با معضلات جدی مواجه ساخته است؛ زیرا آثار آن منحصر به زندگی گروه خاصی نیست، بلکه عواقب آن با مسائلی همچون هنجارشکنی، سرقت، قتل و غارت، وقوع جرم و ناامنی و... در جامعه پدیدار می‌شود (رک: اسفندیاری، ۱۳۸۲، ص ۸۲) و موجب انواع دیگر فسادها می‌شود که به نسل‌های دیگر انتقال پیدا می‌کند و به عامل مؤثری در برابر توسعه‌ی فرهنگی و اقتصادی تبدیل می‌شود (رک: حسن‌زاده، ۱۳۷۹، ص ۱۳۶). با توجه به اهمیت خاص این موضوع، ایجاب می‌کند که با استمساک به نهج‌البلاغه، روش‌های فقرزدایی از جامعه کشف و بیان شود.

مقابله با فقر در نهج‌البلاغه

از دیدگاه امام‌علی^(ع) همه‌ی افراد، حقّ برخورداری از زندگی و مواهب دنیوی را دارند. از این رو، فقر را نوعی بلا (رک: حکمت ۳۸۸) و مقابله با آن را ضروری می‌داند (جرداق، ۱۳۷۳، ص ۱۵۲). در واقع، بروز فقر در جامعه حاکی از آن است که فقرا زمینه‌ی تلاش و شکوفایی کافی برای کسب درآمد ندارند و افراد مرفّه و سرمایه‌دار به نیازمندان بی‌توجه هستند و یا اینکه حکومت نمی‌تواند به‌درستی جامعه را مدیریت کند و ثروت را عادلانه تقسیم نماید و از بروز فقر و شکاف طبقاتی جلوگیری کند (رک: حسن‌زاده، ۱۳۷۹، ص ۱۷۳؛ جهانیان، بی‌تا، ص ۵)؛ بنابراین، بیانات امام^(ع) در مقابله با فقر در قالب همین سه محور: خطاب به «فقرا»، «ثروتمندان» و «مسئولان حکومتی» قابل بررسی است:

۱- بیانات نهج‌البلاغه خطاب به فقرا

در نهج‌البلاغه مطلبی پیدا نمی‌شود که امام^(ع) مستقیماً فقرا را خطاب قرار داده و از مشکلات فقرشان سخنی ایراد کرده باشد؛ بلکه به هر علتی (شاید حفظ حرمت فقرا) در خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها با بیاناتی غیرمستقیم که بیش‌تر ناظر بر تربیت فقرا در شرایط سخت است، درصدد سامان بخشیدن به زندگی آنان و مبارزه با فقر بوده‌اند. راهکارهای فقرزدایی امام^(ع) خطاب به فقرا شامل مباحث ذیل می‌شود:

۱-۱. توکل به خداوند و اعتقاد به رزاقیت او

همان‌طور که در آیات متعدّدی از جمله: «...وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ» (آل‌عمران، ۱۲۲) و «...وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (مائده، ۲۳)، به توکل بر خداوند تصریح و تأکید شده است. امام‌علی^(ع) نیز توکل به خداوند را یک راهکار معرفی کرده و فرموده است: «هرکس به خدا توکل نماید، خدا او را کفایت می‌کند» (خطبه‌ی ۹۰ و رک: خطبه‌ی ۸۳). کافی (کفایت‌کننده)، یکی از صفات خداوند است و به اعتبار آنکه به هرکدام از مخلوقاتش آنچه از منفعت و دفع ضرر عطا می‌کند که استحقاق آن را داشته باشند، او را کفایت‌کننده می‌گویند (بحرانی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۵۰۰). امام^(ع) خداوند را روزی‌رسان حقیقی می‌داند. روایت است از امام^(ع) پرسیدند: «اگر در خانه‌ی مردی را به رویش ببندند، روزی او از کجا خواهد آمد؟» فرمود: «از همان جایی که مرگ او می‌آید» (حکمت ۳۵۶). امام^(ع) نقش این راهکار را در زندگی انسان مؤمن بسیار مهم قلمداد کرده است

و در خطبه‌ای، خداوند را برطرف‌کننده‌ی نیازهای توکل‌کنندگان معرفی می‌کند (رک: خطبه‌ی ۲۱۸). البته معنای توکل، گوشه‌گیری و انفعال نیست، بلکه توکل باید همراه با تلاش باشد (قرآنی، ۱۳۸۳، ج ۹، ص ۵۸۱). توکل حقیقی به خداوند سرچشمه‌ی قدرت روحی و معنوی انسان است و اگر در آحاد افراد جامعه نهادینه شود، می‌تواند آثار ارزشمندی در دو حوزه‌ی فردی و اجتماعی داشته باشد (پرهیزکار، ۱۳۹۰، ص ۱۶).

پس می‌توان گفت در نظام تربیتی نهج‌البلاغه، توکل بر خدا و اعتقاد داشتن به روزی‌رسانی او، نقش تربیتی مهمی در زندگی انسان، به‌ویژه فقرا دارد و راهکاری است که سبب می‌شود انسان در شرایط نامناسب مالی، ارزش و کرامت خود را حفظ کند و با تکیه و اعتماد به خداوند از غیر او بی‌نیاز شود.

۲-۱. تأکید بر تلاش و تولید

اگرچه خداوند «توکل» را عاملی مؤثر در سرنوشت انسان قرار داده است و بر کار و تلاش نیز تأکید ویژه‌ای دارد و در آیه‌ی «وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم، ۳۹)، به‌صراحت بیان داشته است که برای انسان چیزی نیست، جز آنچه با سعی به دست آورده (طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۲۰۲). پس بهترین راهکار نجات از فقر را می‌توان کار و تلاش قلمداد کرد؛ زیرا کار علاوه بر اینکه نیاز مالی انسان را برآورده می‌کند، عاملی تربیتی برای شکوفایی و کمال انسان نیز به‌شمار می‌رود (رک: دلشاد تهرانی، ۱۳۷۹، ص ۱۲۴)؛ به همین علت، اسلام برای تولید اهمیت خاصی قائل است (رک: سبحانی، ۱۳۹۰، ص ۶۰) و اساس اقتصاد خود را کار می‌داند (صدر، ۱۳۵۹، ج ۲، ص ۱۵۵)؛ زیرا تنها راه دستیابی به امکانات و مواهب دنیوی، سعی و تلاش خود انسان است (رک: حائری، ۱۳۷۸، ص ۳۲) و توکل بدون تلاش مردود است و بدعتی مخالف قرآن به‌شمار می‌رود (رک: شمخی، ۱۳۹۸، ص ۱۱۰)؛ پس توکل بدون تلاش و کوشش بی‌وقفه، منجر به تبلی می‌شود و تبلی نیز سبب ایجاد فقر می‌گردد (رک: حرانی، بی‌تا، ص ۴۴).

از آنجاکه هدف کلی تربیت اسلامی، ساخت انسان سالم، کامل و کارآمد است. به این منظور، کار، تلاش و تولید برای تأمین معاش از عوامل مهم در حفظ سلامت جسمانی و روانی انسان و ضامن پیشگیری از بیماری‌های جسمی، روحی و اخلاقی خواهد بود و از طرفی، راهکاری تربیتی محسوب می‌شود که بسیاری از صفات نیک را در انسان پرورش می‌دهد. از این‌رو، امام^(ع) کار، تولید و تأمین هزینه‌های زندگی را یکی از اصلی‌ترین برنامه‌های روزانه‌ی زندگی می‌داند و می‌فرماید: مؤمن باید شبانه‌روز خود را به سه قسمت تقسیم کند... که یکی از این سه، کسب حلال برای تأمین معاش است (رک: حکمت ۳۹۰)؛ زیرا چیزی ارزشمندتر از عمر نیست و باید انسان آن را طوری تنظیم کند که بتواند از راه مشروع، مایحتاج خود را فراهم نماید.

در فرهنگ اسلامی، کار برای تأمین معاش یک ارزش تلقی می‌شود (رک: میرمعزی، ۱۳۸۹، ص ۵۰۳) و تلاش دین برای تربیت افراد تلاشگر و کارآفرین است (رک: موسی زاده و صنعتی، ۱۳۹۶، ص ۷۹). امام^(ع) برای مقابله با فقر، کار و تولید را عامل اصلی رسیدن به هدف معرفی کرده و برای تشویق

مسلمانان به کار و تلاش، پیامبران را مثال زده است تا الگویی برای مردم باشند (رک: خطبه‌ی ۱۶۰). همان‌طور که خودِ امام بسیار اهل کار و تولید بودند (یوسفی، ۱۳۸۹، ص ۱۹۳)، مردم را از تنبلی، تن‌پروری و بی‌کاری بر حذر می‌داشت و می‌فرمود: هر کس آب و زمین داشته باشد و باین حال فقیر باشد، خدا او را از رحمت خویش دور می‌کند (احمدی میانجی، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۵۲۶)؛ زیرا معتقد بود فرد و جامعه‌ای که نتواند با کار و تلاش، حیات اقتصادی و اجتماعی خود را سامان دهد، سرانجام پذیرای فقر خواهد شد (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۶۵۳). دعوت به کار برای این است که انسان علاوه بر اینکه بر فقر و نیاز مالی چیره شود، به امکانات مادی برسد و شخصیت خویش را نیز در برابر دیگران حفظ کند.

امام^(ع) در وصیت اقتصادی به امام حسن^(ع)، نسبت به اموال خویش، بر حفظ اصل مال و استفاده از درآمد آن تأکید دارد (رک: نامه ۲۴). این کلام امام^(ع) که به حفظ سرمایه و استفاده از سود ناشی از آن و ایجاد ثروت اشاره دارد، یک راهکار تربیتی برای رشد، توسعه و رونق اقتصادی در زندگی فقرا محسوب می‌شود.

۳-۱. توصیه به شراکت اقتصادی با افراد متمکن

شراکت با سرمایه‌داران یکی دیگر از راهکارهای مقابله با فقر است؛ زیرا لازمه‌ی زندگی اجتماعی، شراکت، تعاون و همکاری افراد با یکدیگر است (رک: طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۱۴۷). امام^(ع) در گفتار حکیمانه‌ای به یکی از راه‌های کسب ثروت اشاره می‌کند و می‌فرماید: «با کسی که روزی به او روی آورده، شراکت کنید که او توانگری را سزاوارتر و روی آمدن روزگار خوش را شایسته‌تر است» (حکمت ۲۳۰). در شرح این خطبه چنین آمده است: امام علی^(ع) در این حکمت، به یک اصل بزرگ اقتصادی پیشرفته توجه دارد و آن تأسیس شرکت‌ها و همکاری با یکدیگر است. از طریق این همکاری و تعاون، سودی حاصل می‌شود که از کار کردن یک نفر به‌تنهایی به دست نمی‌آید (هاشمی خوئی، ۱۳۵۸، ج ۲۱، ص ۲۹۹)؛ زیرا بسیاری از احتیاجات انسان‌ها از راه کار گروهی و جمعی، بهتر حاصل می‌شود (محمودی، ۱۳۸۲، ص ۳۳).

همچنین برخی نوشته‌اند: «اساس پیشرفت، بر تلاش، کار، مدیریت، نظم و تدبیر است و ممکن است منظور امام^(ع) در کلام فوق، اشاره به عوامل موفقیت و بهره‌گرفتن از مدیریت و لیاقت‌های آنها باشد. بر همین اساس می‌فرماید: با کسانی که در زندگی اقتصادی خود موفقیت بیشتری به دست آورده‌اند، شراکت کنید و از عوامل موفقیت آنها بهره‌برید» (رک: مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۱۳، ص ۷۵۸).

با توجه به موارد یادشده، از کلام امام علی^(ع) چنین استنباط می‌شود که ایشان به دنبال تربیت جامعه‌ای است که افراد فقیر و غنی در آن با همکاری و تلاش متقابل، فرهنگ شراکت و تعاون را نهادینه کنند و موجب ایجاد ثروت شوند؛ زیرا شراکت اقتصادی با دیگران آثار مثبتی دارد که اولین اثر آن، ایجاد اشتغال و بهره‌بردن از توانایی و تخصص دیگران است که اقدامی اساسی برای برون‌رفت از وضعیت فقر خواهد بود.

۴-۱. پرداخت صدقه

امام علی^(ع) در بیان تربیتی دیگری، صدقه را یکی از راه‌های معنوی مبارزه با فقر معرفی می‌کند و می‌فرماید: «هرگاه تهی‌دست شدید، با صدقه دادن، با خدا تجارت کنید» (حکمت ۲۵۸ و رک: حکمت ۱۳۷). برخی در شرح این کلام نوشته‌اند: صدقه در هنگام نیازمندی، اثر معنوی مهمی در زدودن فقر دارد. همان‌گونه که انسان، فقری را کمک می‌کند، عنایت الهی نیز به یاری او برمی‌خیزد: «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَ لَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ» (حدید، ۱۱). میان انفاق در راه خدا به هنگام نیازمند بودن و برخورداری از نعمت پروردگار، ظاهراً رابطه‌ی آشکاری وجود ندارد؛ ولی این یکی از الطاف خفیه‌ی الهی است و قابل‌انکار نیست. هنگامی که شخص ایثارگر آنچه را که خود به آن نیاز دارد، به دیگری می‌بخشد، روح پاکی پیدا می‌کند که سرچشمه‌ی استجاب دعاست و دعاهای او برای گشایش روزی، به اجابت نزدیک می‌شود (رک: مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۱۴، ص ۱۴۴). در روایات دیگری نیز، به رابطه‌ی صدقات با فزونی نعمت و دفع فقر اشاره شده است. همچنان‌که پیامبر^(ص) فرمودند: «به نیازمندان زیاد صدقه دهید تا روزی شما وسیع شود» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴، ص ۱۷۸)؛ بنابراین، صدقه و انفاق مال حتی در شرایط فقر نیز منجر به گشایش رزق و روزی می‌شود (رک: بحرانی، ۱۳۷۵، ص ۲۴۴).

پس صدقه دادن در هنگام تنگ‌دستی راهکاری تربیتی است که موجب پیدایش امید به افزایش نعمت و گشایش روزی می‌شود و همین امیدواری، توان و تحمل انسان را در برابر فقر تقویت می‌کند و باعث تأمین آرامش روحی در افراد می‌شود.

۵-۱. توصیه به قناعت

قناعت یکی از صفاتی است که تضمین‌کننده‌ی آرامش و سازگاری در زندگی اجتماعی است و نبود آن، آرامش را از زندگی می‌رباید (حسین‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۱۱۵). قناعت کردن یکی از بهترین راهکارهای تربیتی مقابله با فقر است. قناعت حالتی است که انسان را وادار می‌کند با حداقل ضروریات زندگی بسازد و به دنبال زرق‌وبرق دنیا نباشد. داشتن این روحیه، به‌منزله‌ی ثروت پایان‌ناپذیری است که انسان را از تمام ثروت‌های دنیا بی‌نیاز می‌سازد و موجب می‌شود انسان همواره با عزت زندگی کند و نیازمند دیگران نباشد (رک: مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۱۲، ص ۳۵۷). اهمیت قناعت در زندگی به حدی است که امام سجاد^(ع) در پاسخ به فردی که از ایشان جویای برترین اعمال شده بود، فرمودند: برترین عمل این است که انسان به آنچه در دست او است، قانع باشد (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۵، ص ۲۳۲).

امام علی^(ع) تأکید ویژه‌ای بر قناعت‌ورزی برای جلوگیری از فقر دارد و در بیان ارزش قناعت می‌فرماید: «قناعت مالی است که پایان نمی‌پذیرد» (حکمت ۵۷؛ ۳۴۹ و ۴۷۵). از امام^(ع) پرسیدند تفسیر آیه‌ی «فَلَنْحَيِّيَنَّ حَيَاةً طَيِّبَةً» (نحل، ۹۷) چیست؟ فرمود: «آن، زندگی با قناعت است» (حکمت ۲۲۹). ایشان میانه‌روی را مانع تهی‌دستی می‌دانند (رک: حکمت ۱۴۰)؛ زیرا هنگامی برای فرد یا جامعه، مشکل مالی پیدا می‌شود که برنامه و حساب دقیقی برای هزینه‌ها و نیازهای خود

در نظر نگیرند (رک: مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۱۳، ص ۱۴۹).

همچنین امام^(ع) قناعت را راهکاری می‌داند که در شرایط نامناسب اقتصادی می‌تواند از وخامت وضعیت مالی جلوگیری کند و می‌فرماید: «هیچ گنجی، بی‌نیازکننده‌تر از قناعت و هیچ مالی در فقرزدایی، از بین‌برنده‌تر از رضایت دادن به روزی نیست و کسی که به‌اندازه‌ی کفایت زندگی، از دنیا بردارد به آسایش دست یابد» (حکمت ۳۷۱)؛ چون انسان قانع نسبت به آنچه روزی اوست، راضی شده و در نتیجه، از غم دنیاخواهی آسوده می‌شود (بحرانی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۷۲۰).
در حقیقت، قناعت در هنگام تنگ‌دستی، نشان‌دهنده‌ی کرامت و عزت‌نفس است و انسان با آراستگی به آن، آبروی خود را حفظ می‌کند. پس اگر فرهنگ قناعت در جامعه رواج پیدا کند، حرص و طمع کاهش پیدا کرده و مشکلات اقتصادی به حداقل می‌رسند (رک: حسین‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۱۱۸) و این یکی از بهترین جلوه‌های تربیت اقتصادی است.

۶-۱. الگوگیری از ساده‌زیستان

با وجود اینکه در امر تربیت، عوامل مختلفی تأثیرگذار هستند اما تأثیر الگوهای انسانی بسیار حائز اهمیت است. در این میان، انبیاء و ائمه^(ع) بهترین الگوهایی هستند که تمسک به روش زندگی آنان، تضمین‌کننده‌ی سعادت انسان است. امام^(ع) با تشریح و توصیف زندگی برخی از پیامبران، آنان را به‌عنوان بهترین الگو برای ساده‌زیستی معرفی کرده است: «برای تو کافی است که راه و رسم زندگی پیامبر اسلام^(ص) را اطاعت کنی تا راهنمای خوبی برای تو در شناخت بدی‌ها، عیب‌ها و زشتی‌های دنیا باشد؛ زیرا دنیا از هر سو بر پیامبر^(ص) باز داشته و برای غیر او گسترانده شد، از پستان دنیا شیر نخورد و از زیورهای آن فاصله گرفت». سپس ساده‌زیستی حضرت داوود و موسی^(ع) را ذکر کرده است که در شرایط سخت می‌زیست و سرگرم دنیا نشد (رک: خطبه‌ی ۱۶۰). در کلام دیگری، زهد پیامبر^(ص) را مثال می‌زند و گرسنگی، بی‌رغبتی به دنیا، ساده‌زیستی، دوری از فتنه‌های دنیوی و دیگر صفات ایشان را ذکر می‌کند (رک: خطبه‌ی ۱۶۱) تا اسوه‌ی پسندیده‌ای برای دیگران باشد.
بنا بر آنچه گفته شد، انسان در فرآیند تربیت و مسیر تکاملی خود برای یافتن بهترین روش‌های زندگی، به الگو نیاز دارد و بهترین الگو، همان سیره‌ی انبیاء و ائمه^(ع) است که در همه‌ی شرایط به‌ویژه در وضعیت فقر، موجب رشد اخلاقی، اعتقادی و رعایت تقوای الهی می‌شود.

۷-۱. خویش‌داری

امام علی^(ع) در بسیاری از فرمایشات خود، بر حفظ آبرو و کرامت فقرا تأکید می‌کند و می‌فرماید: «عفت ورزیدن، زینت فقر است» (حکمت ۶۸). در شرح این سخن نوشته‌اند: عفت، فضیلت قوه‌ی شهوانی است و هنگامی‌که فقیر با عقلش، زمام شهوتش را نسبت به امیال طبیعی حفظ کند، نفسش با فضیلت عفت کامل می‌شود (قمی، ۱۳۷۵، ص ۱۳۶) که منجر به تقوا و عزت‌نفس خواهد شد؛ همچنین امام^(ع) در کلامی به زیبایی بروز این رفتار اشاره می‌کند: «چه نیکو است فروتنی توانگران در برابر مستمندان برای به دست آوردن پاداش الهی و نیکوتر از آن،

خویشتن‌داری مستمندان در برابر توانگران برای توکل به خداوند است» (حکمت ۴۰۶).
 در تعالیم اسلامی، خویشتن‌داری و درخواست نکردن از نااهلان، از ویژگی‌های مؤمنان معرفی شده است. امام علی^(ع) می‌فرماید: «دعا کردم خدایا! مرا نیازمند احدی از آفریدگانت نکن.» پیامبر^(ص) فرمود: «ای علی! چنین مگو؛ زیرا که هیچ‌کس نیست که نیازمند مردمان نباشد.» گفتم: «پس چگونه بگویم ای پیامبر خدا؟» فرمود: «بگو: خدایا مرا نیازمند مردم بد مکن.» طبق این کلام پیامبر^(ص)، مردم دو گروهند: اهل و نااهل (حکیمی و همکاران، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۴۰۸).
 بی‌شک هر انسانی در زندگی خود احتیاجاتی دارد و بهتر است به کمترین امکانات قانع باشد؛ اما عزت و شرافت خود را از دست ندهد تا با ذلت به رفاه و تجملات برسد (رک: مطهری، بی‌تا، الف، ج ۲۳، ص ۴۴۹)؛ بنابراین، عزت‌نفس یکی از مؤلفه‌های مهم تربیتی در نهج‌البلاغه است که زمینه‌ساز رشد روانی فقرا می‌شود و امام^(ع) بر حفظ آن تأکید دارد.

۲- خطاب به توانگران

امام علی^(ع) ثروتمندان را یکی از علل اساسی ایجاد فقر می‌داند و در این زمینه بیاناتی دارد؛ از جمله می‌فرماید: «همانا خدای سبحان روزی فقرا را در اموال سرمایه‌داران قرار داده است؛ پس فقری گرسنه نمی‌ماند جز به کامیابی توانگران» (حکمت ۳۲۸). محورهای اساسی خطاب‌های امام علی^(ع) به اغنیاء، برای توجه و دستگیری از مستمندان، به شرح زیر است:

۲-۱. نهی از مال‌اندوزی

دوری از مال‌اندوزی از توصیه‌های اساسی دین اسلام است. تلاش در کسب ثروت، به حدی که مال‌اندوزی و دنیاپرستی تلقی شود و به اندازه‌ای زیاد شود که دیگران از آن بهره‌ای نداشته باشند، رفتار مذموم و ناپسندی است که انسان با روی آوردن به آن، گام‌به‌گام به سوی عوامل هلاکت پیش می‌رود. امام علی^(ع) دوستداران خود را با این سخن از مال‌اندوزی بر حذر می‌دارد: «من، پیشوای مؤمنان هستم و مال، پیشوای تبهکاران است» (حکمت ۳۱۶)؛ زیرا تکاثر سبب تجمع ثروت در دست طبقات خاصی در جامعه می‌شود که برهم‌زننده‌ی عدالت اقتصادی-اجتماعی است.
 امام^(ع) در مقابله با دنیاگرایی، به تقوا و اکتفا به قدر کفایت سفارش نمی‌کند و می‌فرماید: آن‌کس که در پی به دست آوردن متاع بیشتری از دنیا باشد، وسایل نابودی خود را فراهم کرده است؛ سپس به یاد مرگ می‌پردازد و خطرات ناگوار دنیا را متذکر می‌شود (رک: خطبه‌ی ۱۱۰) و در حکمت دیگری می‌فرماید: «ای فرزند آدم! آنچه را که بیش از نیاز خود فراهم کنی، برای دیگران اندوخته‌ای» (حکمت ۱۹۲)؛ سپس در آموزش روش برخورد با دنیا، چنین به تربیت نفوس می‌پردازد: «سعی کنی با بهترین زاد و توشه از دنیا کوچ کنی و بیش از نیاز خود از آن نخواهید و بیشتر از آنچه نیاز دارید، طلب نکنید» (خطبه‌ی ۴۵)؛ زیرا «در حلال دنیا، حساب و در حرام آن، عذاب است و کسی که ثروتمند شود، فریب می‌خورد» (خطبه‌ی ۸۲). البته اگر انسان از یاد خداوند غافل گردد، چه در فقر یا در غنا، دچار اندوه و مشکلاتی می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۳۱۸).

امام^(ع) در سخنان فوق، با هدف تربیت مردم، آنان را به دوری از طماعی و مالاندوزی توصیه می‌کند؛ پس در رابطه با دنیا، باید در حد مطلوب برای رفع نیازها تلاش کرد؛ اما فریفته‌ی آن نشد؛ زیرا دنیا ناپایدار است و خطر ناگهانی مرگ نیز، بی‌ارزشی آن را دوچندان جلوه می‌دهد.

۲-۲. پرهیز از دنیاپرستی

یکی از فضایل سفارش‌شده‌ی دین که در نهج‌البلاغه نیز مورد اهتمام قرار گرفته است، پرهیز از دنیاپرستی و تأکید بر زهد است که بستر مناسبی برای درک وضعیت فقرا و مستمندان است. زهد، ضد حرص و رغبت (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۱۹۶) و به معنای بی‌اعتنایی به دنیاست (قرشی بنایی، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۱۸۳)؛ همچنین به معنای گرایش قلبی نداشتن نسبت به دنیا و ترک آن نیز آمده است (رک: مطهری، بی‌تا، ب، ج ۱۶، ص ۲۴۰). زاهد کسی است که مال اندک داشته باشد (ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۳۰) و به مقدار اندک راضی شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۳۸۳) و به دنیا وابسته نباشد (رشاد، ۱۳۸۶، ج ۱۱، ص ۱۹۵). بی‌رغبتی به دنیا و زهد، به معنای تارک دنیا بودن نیست (رک: مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۲۳)، بلکه معنای واقعی زهد، بی‌نیازی درون و سیراب بودن روح انسان به وسیله‌ی معنویات و ترک دل‌بستگی‌های مادی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۳۱۰) که با کوتاه کردن آرزوها و شکرگزاری در برابر نعمت‌ها و پرهیز از محرّمات و حرص و طمع بیهوده برای دنیا حاصل می‌شود (رک: خطبه‌ی ۸۱).

امام^(ع) با هدف تربیت مخاطب خود - که مخاطبی فرازمانی است - در موارد متعددی به نکوهش دنیا می‌پردازد و در توصیه به اصلاح رابطه‌ی انسان با دنیا، نسبت به دنیاپرستی انداز می‌کند و دنیا را خانه‌ای ناپایدار و جایگاه مشکلات می‌داند که ساکنان آن، در حال کوچ و اقامت‌گزیدگانش به جدایی محکومند (رک: خطبه‌ی ۱۹۶)؛ همچنین در تبیین روش برخورد با دنیا می‌فرماید: «از دنیا آن مقدار که به تو می‌رسد، بردار و از آنچه پشت کند، روی گردان و اگر نمی‌توانی، در جست‌وجوی دنیا نیکو تلاش کن» (حکمت ۳۹۳). امام^(ع) بر نهی از دنیاپرستی تأکید خاصی دارد؛ زیرا دنیاپرستی را دارای مشکلات و عواقبی از جمله اندوهی رها نشدن، حرصی جدانشدنی و آرزویی نایافتنی می‌داند (رک: حکمت ۲۲۸) و به همین سبب، بر التزام عملی به زهد و دوری از دنیاگرایی توصیه می‌کند (رک: حکمت ۱۵۰).

پس می‌توان چنین استنتاج کرد که امام^(ع) هرگز زندگی دنیوی را یک زندگی پلید و پست تلقی نمی‌کند؛ زیرا دعوت به کناره‌گیری مطلق از دنیا و نادیده گرفتن مقتضیات آن، از ویژگی‌های معنویت‌های دروغین است، بلکه در تعالیم اسلام، به رعایت اعتدال در دنیا و آخرت توصیه شده و دنیا مقدمه‌ی آخرت و پلی برای وصول به آن معرفی شده است (رک: شریفی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۵۹)؛ بنابراین، با توجه به نظام تربیتی اسلام، نوع نگاه انسان به دنیا، در زندگی او تأثیر مستقیم دارد و در این میان، بیانات نهج‌البلاغه بر اساس بینشی صحیح، با طرح مباحث مربوط به عدم دنیاپرستی، به تربیت اقتصادی انسان می‌پردازد.

۳-۲. میانه‌روی در مصرف

میانه‌روی یکی از رفتارهای پسندیده‌ی اقتصادی است که امام^(ع) آن را از اوصاف پرهیزکاران می‌داند (رک: خطبه‌ی ۱۹۳). از آثار مفید میانه‌روی، جلوگیری از تهی‌دستی است. همچنان‌که فرمود: «آن‌که میانه‌روی کند، تهی‌دست نمی‌شود» (حکمت ۱۴۰).

در مقابل، اسراف به معنی عدم رعایت حد و حدود، در کمیت و کیفیت است؛ بنابراین مصرف کردن مال و ثروت بیش از حد لازم و استفاده‌ی هر چیزی در غیر موضع خودش، از مصادیق اسراف است (مراومه‌ی دولتمردان و فلسفه‌ی حکومت اسلامی، ۱۳۶۰، ص ۵۹) و اسراف در مال، به معنای ندانستن ارزش مالی است که باعث نگهداری نفس از ذلت و خواری طلب می‌شود (بیگم آزر می، ۱۳۸۵، ص ۲۷). این عمل از نظر عقل و شرع، مذموم بوده و خداوند متعال در آیه‌ی «وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (انعام، ۱۴۱) با صراحت به این نکته اشاره کرده است. اسراف آثار منفی اقتصادی بسیاری برای افراد و جوامع به دنبال دارد. یکی از تبعات آن، رشد فقر در جامعه است که هم سبب فقیر شدن افراد می‌شود و هم بر دولت‌ها تأثیر منفی می‌گذارد، به طوری که اکثر افرادی که باید به وسیله‌ی حکومت تأمین شوند یا از برنامه‌های عمرانی بهره‌مند گردند، محروم می‌مانند (رک: محمدی ری‌شهری، ۱۴۲۵، ج ۴، ص ۲۱۹-۲۲۰).

در مکتب تربیتی امام علی^(ع) شایسته نیست مسلمان به بهانه‌ی مالکیت بر اموال و دارایی‌هایی که در دست دارد، در مصرف آن آزاد باشد و آن را به هر نحوی برای تأمین لذت‌های شخصی به کار گیرد، بلکه باید با در نظر گرفتن دو اصل توجه به هم‌نوع و آخرت‌گرایی، به میانه‌روی در مصرف پردازد تا بتواند با یاری رساندن به مستمندان، رضایت خداوند متعال را به دست آورد.

۴-۲. تشویق به ایثار اقتصادی

تأکید فراوان آموزه‌های دینی بر یاری فقرا در قالب انفاق واجب و مستحب، نشانگر اهمیت دادن بسیار دین اسلام به این امور است. خداوند متعال بارها در قرآن، ارزش این کار را بیان می‌کند (رک: بقره، ۲۶۱، ۲۶۲؛ آل عمران، ۱۳۴؛ حج، ۳۵ و قصص، ۵۴ و...) و با بیان آیه‌ی ۱۹ ذاریات «وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَ الْمَحْرُومِ»، توانگران را متوجه حق فقرا می‌نماید (رک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۲، ص ۳۲۳). امام^(ع) نیز زکات را واجب معرفی می‌کند (خطبه‌ی ۱۱۰) و بر پرداخت آن تأکید دارد تا به وسیله‌ی آن بتواند به ساماندهی زندگی فقرا پردازد و از فساد و اختلال در اجتماع جلوگیری کند (بحرانی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۱۳۷). بر این اساس، انسان موظف است درآمد بیش از هزینه‌های زندگی خود را در راه خدا انفاق کند تا با این کار، در رفع نیاز مستمندان مؤثر باشد (بنا رضوی، ۱۳۶۸، ص ۱۳۹). اگر توانگران و مرفهان جامعه، بخش اندکی از ثروت خود را به فقرا اختصاص دهند، علاوه بر دریافت اجر و پاداش الهی، باعث گسترش آرامش روحی و روانی در خود، فقرا و دیگر اقشار جامعه می‌شوند. البته در اندیشه‌ی اقتصادی امام^(ع)، توانگران و ثروتمندان مسئول تأمین نیازهای فقیران هستند (حائری، ۱۳۷۸، ص ۹۰).

امام علی^(ع) در موارد متعددی، به ارزش و اهمیت انفاق در راه خدا اشاره و به انفاق و بخشش

به طبقه‌های پایین توصیه می‌کند (نامه ۵۳) و می‌فرماید: «خوشا به حال آن‌کس که مازاد بر مصرف زندگی را در راه خدا بخشش می‌کند» (حکمت ۱۲۳) و صدقه را دارویی ثمربخش می‌داند که فردا در پیش روی آنان جلوه‌گر است (رک: حکمت ۷).

هدف دین اسلام از تشریح انفاق، تنها کمک به فقرا نیست، بلکه هدف اصلی، تربیت روح انسان است؛ زیرا انفاق موجب زدودن رذایل اخلاقی همچون بخل، حرص و آز و تقویت فضایل اخلاقی و پرورش خصائص نیکی مانند بزرگواری، سخاوت، همدلی و... در انفاق‌کننده می‌شود. امام^(ع) مکرراً بر انفاق مال تأکید داشت (خطبه‌ی ۱۴۲) و خود، بخش مهمی از درآمدها و اموال خویش از جمله قنات‌ها و نخلستان‌هایی را به نیازمندان اختصاص می‌داد (رک: ابن‌شهرآشوب، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۲۳؛ ابن‌شبه نمیری، ۱۳۸۰، ص ۲۱۸).

امام علی^(ع) به فرزندش امام حسن^(ع) می‌فرماید: «اگر مستمندی را دیدی که توشه‌ات را تا قیامت می‌برد و فردا که به آن نیاز داری، به تو بازمی‌گرداند، کمک او را غنیمت بشمار و زاد و توشه را بر دوش او بگذار؛ زیرا ممکن است روزی در رستخیز در جست‌وجوی چنین فردی باشی و او را نیابی» (نامه‌ی ۳۱). این امر به این نکته اشاره دارد که انسان، مازاد نیازمندی‌هایش را در راه خدا انفاق کند (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۵، ص ۱۳۹).

بنابراین، ایثار اقتصادی که زکات، خمس، صدقه و... را در بر می‌گیرد، از راهکارهایی است که افزون بر آثار سازنده‌ی اخلاقی، تربیتی و... نقش بسیار مهمی در توزیع و تعدیل ثروت میان افراد جامعه و برقراری عدالت اجتماعی- اقتصادی دارد، به‌طوری‌که می‌توان ادعا کرد اگر افراد جامعه‌ای بر اساس آموزه‌های اقتصادی اسلام تربیت شوند؛ فقر، شکاف طبقاتی و به‌تبع آن، بسیاری از معضلات اجتماعی در آن جامعه از میان خواهد رفت.

۵-۲. شکرگزاری و فروتنی در توانگری

یکی دیگر از توصیه‌های امام علی^(ع)، آراستگی به شکرگزاری و فروتنی در هنگام توانگری است که در همین زمینه می‌فرماید: «شکرگزاری زینت بی‌نیازی است» (حکمت ۶۸). در واقع، شکرگزاری راهکاری تربیتی است که حالت روحی خاصی را در انسان ایجاد می‌کند و تأثیر بسزایی در توجه انسان به خدا و تعمیق معرفت و ایمان به او دارد؛ زیرا شکر به معنی اعتراف به نعمت و نعمت‌دهنده و ابراز این دو حقیقت است (مدرسی طباطبایی، بی‌تا، ص ۵۱).

به‌طورکلی، شکرگزاری تکلیف هر انسانی است؛ اما با توجه به اینکه خداوند چنان به توانگران روزی داده که از دیگران بی‌نیاز هستند، لزوم شکرگزاری از سوی آنان روشن‌تر می‌شود. علاوه بر این، از آنجاکه تجمع ثروت در دست مرفهان بی‌یاد خداوند موجب انحراف می‌شود، زیننده است که آنان شکرگزار باشند تا دچار غفلت نگردند و به نعمت آنان نیز افزوده شود؛ زیرا رابطه‌ی مستقیم و معناداری میان شکر و ازدیاد و تداوم نعمت‌های الهی وجود دارد. خداوند متعال نیز در آیه‌ی «... لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ...» (ابراهیم، ۷)، شکرگزاری را موجب ازدیاد نعمت معرفی کرده است. امام صادق^(ع) در تفسیر این آیه فرمود: از این آیه برمی‌آید که هر بنده‌ای که به او نعمتی

عطا شد و به قلب خود، به آن نعمت اقرار و خداوند را به زبان خود ستایش کرد، سخنش به پایان می‌رسد جز اینکه خداوند فرمان دهد که بر نعمت او افزوده شود (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۴۶۹). بنابراین، شکرگزاری در هنگام رفاه و دارایی، موجب رضایت الهی و ازدیاد نعمت می‌شود و یکی از مصادیق شکر نعمت، مصروف داشتن آن در راه خداوند متعال، از راه کمک به مستمندان و رفع نیاز فقراست و این سخنان امام^(ع)، توصیه‌ای معنوی است که دربرگیرنده یکی از اصول تربیتی یعنی خضوع و فروتنی است.

۳- تعیین وظایف کارگزاران حکومتی

فقرزدایی و ایجاد رفاه و امنیت اقتصادی از مهم‌ترین وظایف حاکمان جامعه‌ی اسلامی است که امام^(ع) در نهج‌البلاغه به شیوه‌های مختلفی، مسئولان حکومتی را به توجه به این امر سفارش کرده است؛ ازجمله:

۳-۱. دستور به رعایت ساده‌زیستی

امام علی^(ع) ساده‌زیستی را وظیفه‌ی مسئولان جامعه‌ی اسلامی می‌داند و می‌فرماید: خداوند بر پیشوایان حق واجب کرده است که خود را با مردم ناتوان همسو کنند تا فقر و نداری، تنگدست را به هیجان نیاورد و به طغیان نکشاند (خطبه‌ی ۲۰۹ و رک: محمدی ری شهری، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۷۶)؛ زیرا گاهی انسان بر اثر فقر، تحمل خود را از دست می‌دهد و در نتیجه، کافر و بی‌دین می‌گردد یا به گناه کشانده می‌شود (بحرانی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۳۴). امام^(ع) مکرراً حاکمان و کارگزاران حکومت اسلامی را به تقوا و ساده‌زیستی و دوری از تجمل توصیه می‌کرد و زندگی خودشان نیز هم‌سطح فقیرترین افراد جامعه بود (رک: کلینی، ۱۳۸۹، ج ۸، ص ۱۳۰ و محمدی ری شهری، ۱۴۲۵، ج ۹، ص ۳۵۰). در خطاب به عثمان بن حنیف، ایشان را به علت حاضر شدن در مهمانی سرمایه‌داران و خوردن از غذاهای رنگارنگ نکوهش می‌کند و ساده‌زیستی خود به‌عنوان رهبر جامعه‌ی اسلامی را برای او مثال می‌زند (رک: حکمت ۳۵۵). این انتقاد و نکوهش امام^(ع) گویای این است که مسئولان نه تنها نباید زندگی مرفه و بالاتر از سطح مردم عادی جامعه داشته باشند، بلکه باید در سطح پایین‌ترین افراد جامعه باشند؛ زیرا یکی از علل فقر، برخورداری حاکمان از رفاه و تجمع ثروت در دست آنان است (رک: حائری، ۱۳۷۸، ص ۹۲).

سیره‌ی عملی امام^(ع) نشان می‌دهد که همواره بر ساده‌زیستی تأکید داشت و برای اینکه با مردم همسو باشد، در نهایت قناعت و ساده‌زیستی، امرار معاش می‌کرد (یعقوبی، بی‌تا، ص ۵۹). حضرت از درآمد خودشان، به مردم نان و گوشت می‌دادند؛ اما خود ایشان با اندک روغن زیتونی اطعام می‌کردند^۱ (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۲۰۰؛ رک: کلینی، ۱۳۸۹، ج ۸، ص ۱۳۰). همه‌ی تلاش

۱- البته امام^(ع) چنین رفتاری را تنها برای رهبران و زمامداران عادل جایز می‌داند و سایر مردم را از آن نهی می‌کند (خطبه‌ی ۲۰۹) و در مواردی نیز، افرادی را به سبب استفاده نکردن از نعمت‌های حلال توبیخ کردند (کلینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۴۱۰).

امام^(ع) برای این بود که ساده‌زیستی - فراموش‌شده - را احیا کند (مغنیه، ۱۳۸۶، ص ۵۱۱). به‌ویژه اینکه برخی از اکابر صحابه و مسئولین به زندگی اشرافی روی آورده بودند و این نه‌تنها باعث شکاف طبقاتی بیشتر شده بود، بلکه خطر انحراف اخلاقی را نیز در پی داشت.

با توجه به سیره‌ی تربیتی امام^(ع)، ساده‌زیستی مسئولان حکومت موجب می‌شود که تهی‌دستان با مشاهده‌ی زندگی آنان، کاستی‌های زندگی خود را تحمل کنند. در آموزه‌های نهج‌البلاغه، تفاوتی میان مسئولین و مردم از نظر برخورداری از رفاه وجود ندارد و اگرچه اشرافی‌گری و تجمل برای همه‌ی اقشار مذموم است؛ اما برای مسئولان تبعات منفی و مخرب بیشتری دارد و باعث ایجاد شکاف بین آنان و مردم می‌شود. بر همین اساس، با بیانات متعددی درصدد تربیت اخلاقی آنان است.

۲-۳. دقت در اخذ زکات و مصرف عادلانه‌ی بیت‌المال

امام علی^(ع) درباره‌ی چگونگی اخذ زکات به‌عنوان یکی از پشتوانه‌های مالی حکومت اسلامی، سفارش‌های زیادی داشته است. در نامه‌ای به یکی از مأموران دریافت زکات، به نکاتی اشاره می‌کند که گویای توجه امام به اهمیت زکات و پرهیز از تعرض به اموال مردم و اخذ مالیات و زکات با رضایت آنان است (رک: نامه ۲۵).

علاوه بر کلام فوق، امام^(ع) به دقت در مصرف بیت‌المال نیز توجه داشته است؛ ازجمله در جواب عبدالله بن زمعه (از یارانش) که درخواست مالی داشت، فرمود: این اموال نه مال من و نه از آن توست، غنیمتی گرد آمده از مسلمانان است که با شمشیرهای خود به دست آوردند. اگر تو در جهاد همراهشان بودی، سهمی چونان سهم آنان داشتی؛ وگرنه دسترنج آنان خوراک دیگران نخواهد بود (خطبه‌ی ۲۳۲) و این از جلوه‌های ناب عدالت علوی و تربیت اقتصادی ایشان است. نمونه‌های فراوانی از عدالت امام^(ع) در تقسیم بیت‌المال موجود است (رک: ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۹۹؛ ثقفی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۵۶) امام^(ع) در دوران حکومتشان، از دسترنج خویش ارتزاق می‌کرد و از ترس اینکه چیزی از بیت‌المال بر آن افزوده نشود، آن را در کیسه‌ای می‌گذاشت و سرش را مهر می‌کرد (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۸۹).

به‌این ترتیب، امام^(ع) در اخذ زکات که منبعی برای رفع فقر از جامعه اسلامی است، دقت خاصی داشت و در مصرف بیت‌المال نیز، یاران و کارگزاران خود را طوری تربیت می‌کرد تا هرکس متناسب با حق خود، از بیت‌المال بهره‌مند شود و همه‌ی افراد جامعه هماهنگ و باهم رشد کنند.

۳-۳. مخالفت با امتیازدهی به گروهی خاص

در هر عصری، فقر و شکاف طبقاتی، معضلی اجتماعی است که بر اثر بی‌عدالتی و زیاده‌خواهی‌های عده‌ای پدید می‌آید و موجب مشکلات فراوانی در سطح جامعه می‌شود. در حکومت اسلامی، هدف از قبول مسئولیت، امتیازجویی برای خود و نزدیکان نیست، بلکه هدف اصلی، خدمت به مسلمین است. بر اساس آموزه‌های نهج‌البلاغه، نحوه‌ی برخورد مسئولان

حکومت با مردم باید بر محور عدالت باشد و هیچ‌کس از امتیاز و حَقّ ویژه‌ای برخوردار نیست. همان‌طور که امام علی^(ع) به‌عنوان رهبر جامعه‌ی اسلامی، برای هیچ‌یک از نزدیکان خود امتیازی قائل نبود. در کتب تاریخی، موارد متعدّدی از برخورد ایشان با امتیازطلبی ذکر شده است. ماجرای آمدن برادر ایشان عقیل و درخواست تقاضای اضافه از بیت‌المال و پاسخ امام به تقاضای او، نمونه‌ای مشهور از این موارد است (رک: خطبه‌ی ۲۲۴) که الگوی تربیتی کم‌نظیری برای زمامداران در حفظ بیت‌المال و رعایت عدالت به‌شمار می‌رود (بحرانی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۱۵۶).

همچنین امام^(ع) به‌منظور تربیت و هدایت کارگزاران خویش، مکرراً با سخنان و نامه‌هایی این مسئله را به آنان گوشزد کرده است. در نامه به مالک اشتر وی را از نزدیکان خودخواه، سودجو و چپاولگر بر حذر می‌دارد (نامه ۵۳) و در نامه به مصلّی‌بن‌هبیره شیبانی، با خشونت، او را نسبت به خبری که مبنی بر بخشیدن غنائم به خویشاوندانش رسیده، تهدید می‌کند و او را به عدالت و حفظ دین توصیه می‌نماید (نامه ۴۳). امام^(ع) برتری جویی کسی را نمی‌پذیرفت و می‌فرمود: من قرآن خواندم و در آن ندیدم حتّی به‌اندازه‌ی بال‌پشه‌ای، فرزندان اسماعیل بر فرزندان اسحاق برتری داشته باشند (بلادری، ۱۳۹۴، ص ۱۴۱). او اموال را به‌طور مساوی تقسیم می‌کرد و برای هیچ‌کس حَقّ ویژه‌ای قائل نمی‌شد؛ به همین سبب، در زمان حکومتش با مشکلات اساسی روبه‌رو بود (رک: اسکافی، ۱۴۰۲، ص ۲۲۷).

ابن‌ابی‌الحدید در عدالت علی^(ع) می‌نویسد: «مهم‌ترین علت خودداری عرب در یاری نکردن علی^(ع)، تقسیم مال و ثروت بود؛ زیرا او هیچ ثروتمندی را بر فقیر و هیچ عربی را بر عجم ترجیح نداد و با رؤسای قبایل سازشی نداشت و آن‌گونه که حاکمان در این موارد عمل می‌کردند، عمل نمی‌کرد و هیچ‌کس را با مال به‌سوی خود جذب نمی‌کرد، درحالی‌که شیوه‌ی معاویه درست نقطه‌ی مقابل علی^(ع) بود، به همین علت، مردم امام علی^(ع) را ترک کرده و به معاویه پیوستند» (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۹۷). جورج جرداق نیز درباره‌ی التزام امام^(ع) به عدالت‌ورزی می‌نویسد: «سفارش‌ها و نامه‌های علی^(ع) به فرمانداران، همیشه پیرامون رعایت و برقراری عدالت می‌چرخید، به همین سبب مردم علیه او متحد شدند» (جرداق، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۲۰۹).

امتیازدهی به نزدیکان از مسائلی است که تبعات منفی بسیاری دارد؛ زیرا نگرش مردم را نسبت به حکومت و متولیان آن تغییر می‌دهد و موجب بهره‌مندی عده‌ای خاص و ناکامی دیگران می‌شود. به همین علت، امام^(ع) به شدت با آن مقابله کرده و درصدد تربیت حاکمان بر محور عدالت بودند.

۴-۳. برخورد با خیانت‌کاران در بیت‌المال

بیت‌المال برای بهره‌برداری همگانی و استفاده‌ی عموم مردم است و خیانت در آن سبب تضييع حقوق مردم و برهم خوردن عدالت و موازنه‌ی اقتصادی-اجتماعی می‌شود. امام^(ع) در مصرف بیت‌المال بسیار دقیق و سخت‌گیر بود و همواره با نگاهی ارشادی، کارگزاران را نسبت به رعایت امانت موعظه می‌کرد و به انحراف از راه حق هشدار می‌داد و در برخورد با مفسدان اقتصادی، از

سیاست سرکوبگرانه‌ای همچون تعیین و اعمال مجازات شدید استفاده می‌کرد و قاطعانه با تمامی مصادیق مفاسد اقتصادی مبارزه می‌نمود.

در نامه‌ای به یکی از کارگزارانش فرمود: «از تو خبری رسیده که اگر چنان کرده باشی، پروردگار خود را به خشم آورده و امام خود را نافرمانی و در امانت خود خیانت کرده‌ای. به من خبر رسیده که کشت زمین‌ها را برداشته و آنچه را که می‌توانستی، گرفته و آنچه در اختیار داشتی، به خیانت خورده‌ای؛ پس هرچه زودتر حساب اموال را برای من بفرست و بدان که حسابرسی خداوند از حسابرسی مردم سخت‌تر است» (نامه‌ی ۴۰).

امام^(ع) در هیچ شرایطی، حاضر به تقسیم ناعادلانه‌ی بیت‌المال نبود. به ایشان گفتند که مردم به دنیا دل‌بسته‌اند و معاویه با هدایا و پول‌های فراوان آنان را جذب می‌کند، شما هم از اموال عمومی به اشراف عرب و بزرگان قریش ببخش و از تقسیم مساوی بیت‌المال دست بردار تا به تو گرایش پیدا کنند. امام^(ع) فرمود: «آیا به من دستور می‌دهید برای پیروزی خود، از جور و ستم درباری امت اسلامی که بر آنان ولایت دارم، استفاده کنم؟ به خدا سوگند! هرگز چنین کاری نخواهم کرد. اگر این اموال از خودم بود نیز به‌گونه‌ای مساوی میان مردم تقسیم می‌کردم تا چه رسد که جزء اموال خداست» (خطبه‌ی ۱۲۶؛ رک: خطبه‌ی ۲۲۴؛ ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۲۰۰). امام^(ع) این‌گونه کارگزاران را بر اساس تقوای الهی تربیت می‌کرد.

نتیجه‌گیری

حاصل این پژوهش را می‌توان در قالب نکات ذیل بیان کرد:

- ۱- در نهج‌البلاغه، با نگاهی سامانمند و نظام تربیتی خاص، اعضای جامعه به‌عنوان پیکر واحدی دانسته شده‌اند که باید میان اعضای آن، مسئولیت‌پذیری، تعاون، همکاری و ایثار حاکم باشد تا به سعادت برسند.
- ۲- فقر یکی از منفورترین جلوه‌های فردی و اجتماعی معرفی شده و با روشی تربیتی و ارائه‌ی راهکارهای مؤثر و راهگشا، به مقابله با آن پرداخته شده است.
- ۳- در مکتب تربیتی امام^(ع)، رفع فقر و ایجاد رفاه و امنیت اقتصادی، اگرچه وظیفه‌ی حاکمان است؛ اما همه‌ی افراد جامعه متناسب با جایگاه و توان خود، مأمور به جهاد اقتصادی هستند، به‌طوری‌که خطاب به فقرا، آنان را به اموری همچون توکل، قناعت، عزت‌نفس، کار و تلاش و... سفارش می‌کند. افراد متمکن جامعه نیز به‌عنوان اصلی‌ترین عامل فقر و غنا، به وظایفی در زمینه‌ی انفاق مالی توصیه می‌شوند و با رویکرد آخرت‌گرایی تربیت می‌گردند و مسئولان و مدیران حکومتی نیز به علت نقش مهمی که در مدیریت جامعه و تقسیم بیت‌المال دارند، مکرراً با توصیه‌های اخلاقی، تربیتی و مدیریتی و با ارائه‌ی راهکارهای مختلفی برای مقابله با فقر خطاب قرار گرفته‌اند.
- ۴- امام^(ع) با روش‌هایی همچون ارائه‌ی الگو، پند و موعظه، ترغیب، هشدار، تهدید، مجازات و... درصدد تربیت کارگزاران و مسئولان حکومتی برای مدیریت صحیح بیت‌المال، اجرای عدالت و

در نتیجه رفع فقر و تأمین رفاه جامعه است.

۵- در مقابله با فقر، اگرچه خودِ فقرا به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین ارکان این مبارزه، به قناعت و رعایت اصول اخلاقی توصیه‌شده و مکلف به کار، تلاش و تولید هستند؛ اما دیگر اعضای جامعه از این امر مستثنا نیستند، بلکه هرکدام متناسب با توان و ظرفیتی که دارند، موظف به دستگیری و یاری فقرا هستند، به‌طوری‌که در بیانات امام^(ع)، راهکار اصلی رفع فقر و ایجاد شرایط مطلوب معیشتی جامعه، در اموال سرمایه‌داران و تدبیر مدیران حکومت نهفته است.

منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه؛ ترجمه‌ی محمد دشتی؛ چاپ هجدهم، قم، پیام مقدّس، ۱۳۹۳ ش.
- ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة‌الله؛ شرح نهج‌البلاغه؛ مصحح: ابراهیم محمد ابوالفضل؛ جلد ۲ و ۱۵، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی، ۱۴۰۴ ق.
- ابن‌شبه نمیری، عمر بن‌شبه؛ تاریخ مدینه منوره؛ ترجمه‌ی حسین صابری؛ تهران، مشعر، ۱۳۸۰ ش.
- ابن‌شهر آشوب مازندرانی، محمد بن‌علی؛ مناقب آل‌ابی‌طالب^(ع)؛ جلد ۲، قم، علامه، ۱۳۷۹ ش.
- ابن‌فارس، احمد؛ معجم‌مقایس‌اللغه؛ محقق: عبدالسلام محمد هارون؛ جلد ۳، قم، مکتب‌الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
- ابن‌منظور، محمد بن‌مکرم؛ لسان‌العرب؛ محقق: جمال‌الدین میردامادی؛ جلد ۳، بیروت، دار‌الصادر، ۱۴۱۴ ق.
- اسکافی، محمد بن‌عبدالله؛ المعیار و الموازنه در برتری امیرالمؤمنین^(ع)؛ ترجمه‌ی محمود مهدوی دامغانی؛ تهران، نی، ۱۴۰۹ ق.
- اسفندیاری، اسماعیل؛ «فقر و انحرافات اجتماعی»؛ مجله مطالعات راهبردی زنان، شماره ۲۱، ۱۳۸۲ ش.
- بحرانی، ابن‌میثم؛ شرح نهج‌البلاغه؛ ترجمه‌ی قربانعلی محمدی‌مقدم و علی‌اصغر نوایی یحیی‌زاده؛ ج ۵، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵ ش.
- _____؛ شرح صد کلمه امیرالمؤمنین^(ع)؛ ترجمه‌ی عبدالعلی صاحبی؛ مصحح: میر جلال‌الدین حسینی ارموی محدث؛ چاپ دوم، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵ ش.
- بلاذری، احمد بن‌یحیی؛ انساب‌الاشراف؛ تحقیق و مقدمه: سهیل زکار و ریاض زرکلی؛ بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷ ق.
- بنا رضوی، مهدی؛ طرح تحلیلی اقتصاد اسلامی؛ مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۱۳۶۷ ش.
- بیگم آرمی، معصومه؛ نفس در اسارت شیطان؛ چاپ سوم، قم، تهذیب، ۱۳۸۵ ش.
- پرهیزکار، زینب؛ نقش توکل در زندگی فردی اجتماعی-سیاسی امام‌علی^(ع) با تکیه بر نهج‌البلاغه؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور تهران، دانشکده‌ی الهیات، ۱۳۹۰ ش.
- پیغامی، عادل و تورانی، حیدر؛ «نقش برنامه درسی اقتصاد در برنامه تعلیم و تربیت رسمی و عمومی دنیا»؛ نوآوری‌های آموزشی، سال ۹، شماره ۳۷، ۱۳۹۰ ش.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن‌محمد؛ غرر‌الحکم و درر‌الکلم؛ مصحح: سیدمهدی رجایی؛ قم، دارالکتب الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.
- ثقفی، ابراهیم بن‌محمد؛ الغارات؛ تحقیق: جلال‌الدین محدث؛ جلد ۱، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۹۵ ش.
- جرداق، جرج؛ امام علی^(ص) صدای عدالت انسانی؛ ترجمه‌ی سید هادی خسروشاهی؛ جلد ۱، چاپ دهم، تهران، سماط، ۱۳۷۹ ش.
- _____؛ بخشی از زیبایی‌های نهج‌البلاغه؛ ترجمه‌ی محمدرضا انصاری؛ تهران، کانون انتشارات محمدی، ۱۳۷۳ ش.
- جمعی از نویسندگان؛ مبانی نظری تحول بنیادین در تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی

- ایران؛ تهران، شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰ ش.
- جهانیان، ناصر؛ امنیت اقتصادی؛ بی‌جا، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، بی‌تا.
 - حائری، سید محسن؛ اندیشه‌های اقتصادی در نهج‌البلاغه؛ ترجمه‌ی عبدالعلی آل‌بویه لنگرودی؛ تهران، بنیاد نهج‌البلاغه، ۱۳۷۸ ش.
 - حرانی، ابن‌شعبه؛ تحف‌العقول؛ بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
 - حسن‌زاده، علی؛ «بررسی عوامل مؤثر بر فقر»؛ پژوهش‌های اقتصادی، دوره سوم، شماره‌ی ۴-۵، ۱۳۷۹ ش.
 - حسین‌زاده، علی؛ «نقش قناعت در بهره‌مندی از زندگی»؛ معرفت اخلاقی، سال اول، شماره‌ی ۴، ۱۳۸۹ ش.
 - حسینی، سید هادی؛ پدیده‌شناسی فقر و توسعه؛ مشهد، دفتر تبلیغات اسلامی، بوستان کتاب قم، ۱۳۸۰ ش.
 - حکیمی، محمدرضا و برداران؛ الحیاة؛ ترجمه‌ی احمد آرام؛ جلد ۱، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
 - دلشاد تهرانی، مصطفی؛ منظر مهر (مبانی تربیت در نهج‌البلاغه)؛ تهران، دریا، ۱۳۷۹ ش.
 - راغب اصفهانی، حسین‌بن‌محمد؛ مفردات الفاظ قرآن؛ محقق: صفوان عدنان مصطفی؛ جلد ۳، بیروت، دارالقلم الدارالشامیة، ۱۴۱۲ ق.
 - رشاد، علی‌اکبر؛ دانشنامه امام علی^(ع)؛ جلد ۱۱، تهران، پژوهشگاه اندیشه و فرهنگ معاصر، ۱۳۸۶ ق.
 - سبحانی، جعفر؛ سیمای اقتصاد اسلامی؛ قم، مؤسسه امام صادق^(ع)، ۱۳۹۰ ش.
 - شریفی، احمدحسین و همکاران؛ اخلاق و سبک زندگی اسلامی؛ قم، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۱ ش.
 - شمخی، مینا؛ آیین نیایش در قرآن بارویکرد پاسخگویی به شبهات؛ چاپ دوم، تهران، هستی نما، ۱۳۹۸ ش.
 - صدر، محمدباقر؛ طرح گسترده‌ی اقتصاد اسلامی؛ ترجمه‌ی فخرالدین شوشتری؛ جلد ۲، تهران، بدر، ۱۳۵۹ ش.
 - طباطبایی، سید محمدحسین؛ المیزان فی تفسیرالقرآن؛ ترجمه‌ی سید محمدباقر موسوی همدانی؛ قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ق.
 - طبرسی، فضل‌بن‌حسن؛ جوامع‌الجامع؛ ۴ جلدی، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۴۱۲ ق.
 - _____؛ مجمع‌البیان؛ جلد ۶، چاپ سوم، تهران، ناصرخسرو، ۱۳۷۲ ش.
 - طبری، ابوجعفر محمدبن‌جریر؛ تاریخ طبری؛ تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم؛ قاهره، مطبعة الاستقامة، ۱۳۵۷ ق.
 - فراهانی‌فرد، سعید؛ نگاهی به فقر و فقرزدایی از دیدگاه اسلام؛ تهران، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، ۱۳۷۸ ش.
 - فیض‌الاسلام، سید علی‌نقی؛ ترجمه‌ی و شرح نهج‌البلاغه؛ تهران، فقیه، ۱۳۷۹ ش.
 - قرائتی، محسن؛ تفسیر نور؛ جلد ۹، چاپ یازدهم، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳ ش.
 - قرشی بنایی، علی‌اکبر؛ قاموس قرآن؛ جلد ۳، تهران، دارالکتب‌الاسلامیه، ۱۴۱۲ ق.
 - قمی، شیخ‌عباس؛ شرح حکم نهج‌البلاغه؛ مصحح: باقر قربانی زرین؛ تهران، بنیاد نهج‌البلاغه، ۱۳۷۵ ش.
 - کلینی، ابوجعفر محمدبن‌یعقوب؛ اصول‌کافی؛ جلد ۴ و ۸، تهران، دارالکتب‌الاسلامیه، ۱۳۸۹ ق.
 - مجلسی، محمدباقر؛ بحارالانوار؛ جلد ۶۶ و ۷۴، چاپ دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
 - محمدی ری‌شهری، محمد؛ میزان‌الحکمه؛ جلد ۱، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۲ ش.
 - _____؛ موسوعه‌الامام علی‌بن‌ابی‌طالب^(ع) فی‌الکتاب و السنه و التاریخ؛ جلد ۴، بیروت،

دارالحدیث للطباعة و النشر، ۱۴۲۵ ق.

- محمودی، اصغر؛ کار از دیدگاه حضرت علی^(ع)؛ صحیفه مبین، شماره ۲۵، ۱۳۸۲ ش.
- مدرسی طباطبایی یزدی، سید محمدرضا؛ شکر (سرود آسمانی)؛ بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
- مرامنامه دولتمردان و فلسفه حکومت اسلامی؛ بی‌جا، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۶۰ ش.
- مسعودی، علی بن الحسین؛ مروج الذهب و معادن الجواهر؛ بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹ ق.
- مصباح یزدی، محمدتقی؛ پند جاوید؛ جلد ۲، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی^(س)، ۱۳۸۰ ش.
- مطهری، مرتضی؛ آزادی معنوی؛ نرم افزار مجموعه آثار، جلد ۲۳، تهران، صدرا، بی‌تا.
- _____؛ سیری در نهج البلاغه؛ نرم افزار مجموعه آثار، جلد ۱۶، تهران، صدرا، بی‌تا.
- مغنیه، محمدجواد؛ فضیلت‌های امام علی^(ع)؛ ترجمه‌ی عبدالرزاق سیادت؛ قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۶ ش.
- مکارم شیرازی، ناصر؛ پیام امام امیرالمؤمنین (شرح نهج البلاغه)؛ جلد ۳، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ ش.
- _____؛ پیام امام امیرالمؤمنین (شرح نهج البلاغه)؛ جلد ۱۲، ۱۳ و ۱۴، قم، انتشارات امام علی بن ابیطالب^(ع)، ۱۳۹۰ ش.
- _____؛ تفسیر نمونه؛ دارالکتب اسلامیه، تهران، ۱۳۷۴ ش.
- موسی‌زاده، زهره و صنعتی، فاطمه؛ «تبیین مؤلفه‌های تربیت اقتصادی بر اساس آموزه‌های اسلامی»؛ مجله‌ی تربیت اسلامی، سال ۱۲، شماره ۲۴، تابستان ۱۳۹۶ ش.
- میرمعزی، سید حسین؛ نظام اقتصادی اسلام؛ تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۹ ش.
- نوری، حسین؛ مستدرک الوسائل؛ قم، مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۸ ق.
- هاشمی‌خوئی، میرزا حبیب‌الله؛ منهاج‌البراعة فی شرح نهج البلاغه؛ مصحح: سید ابراهیم میانجی؛ جلد ۲۱، چاپ چهارم، تهران، مکتبه الاسلامیه، ۱۳۵۸ ش.
- یعقوبی، احمد بن اسحاق؛ تاریخ یعقوبی؛ بیروت، دارصادر، بی‌تا.
- یوسفی، احمد علی؛ «سیره‌ی اقتصادی امام علی^(ع)»؛ مطالعات تفسیری، سال اول، شماره ۵، سوم، ۱۳۸۹ ش.